

فصل نامه علمی- تخصصی پژوهش های مهدوی
سال اول، شماره ۴، بهار ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۵

تحلیل آیات و روایات مهدوی (۱)

مهدی حسینیان قمی*

چکیده

از ارزشمندترین و به روزترین کارهای تحقیقی، تحلیل آیات و روایات مهدوی است. در این نوشتار، برای دفاع از حدیث، به تحلیل آیات مهدوی و روایات تفسیری ذیل آن می پردازیم و براین باوریم که این تلاش درایتی و تحلیلی در آیات مهدوی و روایات آن در کنار هم، ژرفا و لایه های قرآن و روایت را یک جا در برابر ما می گشاید.

با تأمل در مقاله، ضرورت این کار بر خوانندگان ارجمند بیش از پیش نمایان می شود. در این مقاله، آیه سی از سوره ملک بررسی می گردد و روایات مهدوی آن در کنار دیگر آیات، پرده از مفاد مهدوی آیه برمی دارد.

واژگان کلیدی

آیات مهدوی، روایات مهدوی، ماء معین.

مقدمه

با توجه به روایات مهدوی، آیات بسیاری از قرآن کریم، درباره حضرت مهدی علیه السلام و مباحث مهدوی است.^۱ تحلیل و بررسی این آیات با استمداد از روایات مهدوی ذیل آن، از جمله ضرورت‌های مباحث مهدوی است. در سایه این تحلیل و تفسیر، آیات و روایات مهدوی برایمان روشن تر خواهند شد؛ زیرا گاه در ابتدا، ارتباط آیه با امام مهدی علیه السلام و مباحث مهدوی چندان روشن نیست، ولی با تحلیل و بررسی و توجه به روایات تفسیری، این ارتباط ملموس و محسوس می‌شود. از این رو این مباحث را تحلیل آیات و روایات مهدوی نامیده‌ایم.

در این تحلیل، ابتدا آیه را با ترجمه ملاحظه می‌کنیم. آن‌گاه به روایات ذیل آیه و سپس به سوره‌ای که آیه در آن است مراجعه می‌نماییم و با دیدن قبل و بعد آیه و زمینه آن در سوره، به تحلیل آیه و روایات ذیل آیه می‌پردازیم و در کنار این تحلیل، به گفتار مفسران و دیدگاه آنان به آیه نیز نگاهی خواهیم داشت.

گفتنی است در نظر داشتن آیات مشابه آیه مورد بحث و نیز مراجعه جدی و دقیق به لغت، یاری‌گر ما در تحلیل مفاد آیه مورد بحث خواهد بود.

در پایان خواهیم دید که چگونه امامان که مفسران واقعی قرآن هستند، آیه را درست در جایگاه خود دیده‌اند و ما را به مفاد آیه رسانده‌اند. در بسیاری از این موارد مفسران اهل سنت از مفاد آیه دورند و چون با راهنمایی‌های امامان همراه نیستند، عمق آیه را نیافته‌اند و از ارتباط آیه با حضرت مهدی علیه السلام و مباحث مهدوی بی‌خبرند. ولی مفسران شیعه با درنگ در روایات، به عمق مهدوی آیه رسیده‌اند و با شیوه‌های گوناگون به تحلیل، تفسیر و تبیین آن پرداخته‌اند.

این مبحث از این نظر که به آیات مرتبط می‌شود، تفسیر و تحلیل آیات قرآنی به شمار می‌آید و از آن رو که با توجه به روایات تفسیری است، تحلیلی در روایات مهدوی محسوب می‌گردد و به نظر می‌رسد کاری دوسویه و در اوج است. آری، «أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدْبُرٌ؟^۲ اگر در قرائت قرآن تدبر نباشد، خیری نیست» و نیز: «خَبَرَ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ تَزْوِيهِ»^۳ یک حدیث را که خوب بفهمی بالاتر از آن است که هزار حدیث را تنها روایت کنی.» این‌گونه است که هم قرآن جایگاه خود را پیدا می‌کند و ارزشمندی‌اش برایمان محسوس و ملموس می‌شود و هم به ضرورت روایات در تفسیر آیات می‌رسیم. در سایه این بحث‌ها نگاه ما به قرآن و روایت

دگرگون می شود و عمق قرآن و روایات در حدی برایمان آشکار می گردد. افزون بر این، جایگاه رفیع امامت و ضرورت آن نیز بر همگان آشکار می شود.

آیه مهدوی سوره ملک

خداوند در آخرین آیه سوره مبارکه ملک می فرماید:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾^۴

بگو: به من خبر دهید، اگر آب [آشامیدنی] شما [به زمین] فرو رود، چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد؟

روایات تفسیری آیه

در تفسیر البرهان، هفت روایت تفسیری در ذیل آیه آمده است. در تفسیر نورالثقلین دو روایت آمده که در تفسیر البرهان نیست. در معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام ذیل آیه چند روایت آمده که روایت جدیدی در میان آن ها نیست. گفتنی است دو روایت از هفت روایت تفسیر البرهان نیز تکراری است، ولی ما به دلایلی روایات تکراری را هم می آوریم. در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، یک روایت دیگر آمده است. بنابراین جمعاً ده روایت تفسیری برای آیه مورد بحث یافته ایم. به یقین با جست و جوی بیشتر، به موارد دیگری از روایات این آیه دست خواهیم یافت.

در این روایات منظور از «ماء» (آب)، «امام» و منظور از «ماء معین» (آب روان و گوارا)، باز «امام» به شمار رفته است. به این بیان که: «بگو: به من خبر دهید که اگر امامتان غایب گردید، چه کسی برایتان امام جدید می آورد» و یا «برای دست یابی به امام جدید چه می کنید؟» تنها یک روایت، «ماء معین» را بر علم امام تطبیق داده است و این هم مشکلی ندارد؛ چراکه آب روان و گوارا همان امام با توجه به علم و دانش اوست.

بنابراین اگر گفته شد چه کسی علم امام را برایتان می آورد، مقصود همان امامی است که دارای علم است. لذا در مجموع روایات تفسیری آیه، از آیه این گونه برداشت شده است که اگر امام شما غایب شد، چه کسی امام حاضر برایتان می آورد؟

حدیث اول

ابن بابویه، قال: أخبرنا محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني، قال: حدثنا محمد بن الحسين بن حفص الحثعمي الكوفي، قال: حدثنا عباد بن يعقوب، قال: حدثنا علي بن هاشم، عن محمد بن عبد الله، عن أبي عبيدة بن محمد بن عمار، عن أبيه، عن جده

عمار، قال: كنت مع رسول الله ﷺ في بعض غزواته، و قتل علي بن أبي طالب أصحاب الألوية و فرق جمعهم، و قتل عمرو بن عبد الله الجمحي، و قتل شيبه بن نافع، أتيت رسول الله ﷺ فقلت له: يا رسول الله، إن علياً قد جاهد في الله حق جهاده. فقال: «لأنه مني وأنا منه، وإنه وارث علمي، و قاضي ديني، و منجز وعدي، و الخليفة من بعدي، و لولاه لم يعرف المؤمن المحض بعدي، حربه حربي، و حربي حرب الله، و سلمه سلمي، و سلمني سلم الله، ألا إنه أبو سبطي، و الأئمة من صلبه، يخرج الله تعالى الأئمة الراشدين من صلبه، و منهم مهدي هذه الأمة».

فقلت: بأبي و أمي يا رسول الله، من هذه المهدي؟ قال: «يا عمار، إن الله تبارك و تعالى عهد إلي أنه يخرج من صلب الحسين أئمة تسعة، و التاسع من ولده يغيب عنهم، و ذلك قوله عز و جل: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ تكون له غيبية طويلة، يرجع عنها قوم و يثبت عليها آخرون، فإذا كان في آخر الزمان يخرج فيملاً الدنيا قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً، و يقاتل على التأويل كما قاتلت على التنزيل، و هو سميي و أشبهه الناس بي.

يا عمار، ستكون بعدي فتنة، فإذا كان ذلك فاتبع علياً و اصحبه، فإنه مع الحق و الحق معه؛^۵

ابن بابويه، نقل می کند: محمد بن عبدالله بن مطلب شیبانی، از محمد بن حسین بن حفص خثعمی کوفی، از عباد بن یعقوب، از علی بن هاشم، از محمد بن عبدالله، از ابو عبیده بن محمد بن عمار، از پدرش، از پدر بزرگش عمار روایت کرده است که: در برخی از غزوه ها همراه رسول خدا ﷺ بودم و علی پرچم داران را به قتل رساند و آن ها را متفرق ساخت و عمرو بن عبدالله جمحی و شیبه بن نافع را کشت. نزد رسول خدا ﷺ آمدم و عرض کردم: ای رسول خدا، علی، در راه خدا آن گونه که شایسته است جهاد کرد. حضرت فرمود: زیرا وی از من است و من از او هستم و او وارث علم من است و بدهی مرا پرداخت می کند و به وعده های من جامه عمل می پوشاند و جانشین من است و اگر او نبود، مؤمن واقعی پس از من شناخته نمی شد. دشمن وی، دشمن من است و دشمن من، دشمن خداست و دوست دار وی، دوست دار من است و دوست دار خداست. او پدر دو نوه من است و امامان، از نسل وی هستند. خداوند تعالی ائمه هدی را از نسل وی خارج می سازد و مهدی امت از آن هاست.

عرض کردم: ای رسول خدا، پدر و مادرم فدایت شوند! این مهدی کیست؟ فرمود: ای عمار، خداوند تعالی به من فرمود که از نسل حسین علی بن علی، نه امام خارج می شوند، که نهمین آن ها غیبت خواهد کرد و این همان سخن خداوند عز و جل در این آیه است: «بگو: به من خبر دهید، اگر آب شما [در زمین] فرو نشیند، کیست که برای شما آبی روان و

گوارا بیاورد؟» غیبتی بلندمدت خواهد داشت که گروهی از آن دست خواهند کشید و ناامید خواهند شد و گروهی بر آن ثابت قدم خواهند ماند و آن‌گاه که آخرالزمان فرا رسد، ظهور خواهد نمود و دنیا را پر از عدل و داد خواهد نمود، آن‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد و بر تأویل آیات خواهد جنگید، آن‌گونه که من بر تنزیل این آیات جنگیدم. او هم نام من است و شبیه‌ترین مردم به من است.

ای عمار، بعد از من فتنه‌ای به پا خواهد شد، بنابراین هرگاه چنین چیزی اتفاق افتاد، از علی پیروی کن و همراه وی باش؛ زیرا وی همراه حق است و حق همراه وی است.

حدیث دوم

و عنه، قال: حدثنا أبي^٦، قال: حدثنا سعد بن عبدالله، قال: حدثنا أحمد بن محمد بن عيسى، عن موسى بن القاسم بن معاوية بن وهب البجلي، وأبي قتادة علي بن محمد بن حفص، عن علي بن جعفر، عن أخيه موسى بن جعفر^٧، قال: قلت: ما تأويل قول الله عز وجل: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْحَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ فقال: «إذا فقدتم إمامكم فلم تروه فما ذا تصنعون؟»^٧

و نیز او نقل می‌کند: پدرم که -رحمت خداوند بروی باد- برای ما نقل کرد: سعد بن عبد الله از احمد بن محمد بن عیسی، از موسی بن قاسم بن معاویه بن وهب بجلي و ابوقتاده علی بن محمد بن حفص، از علی بن جعفر، از برادرش موسی بن جعفر کاظم^٧ روایت کرده است که: به ایشان گفتم: تأویل این آیه چیست...؟ حضرت فرمود: اگر امام خویش را از دست دهید و او را نیابید، چه کار خواهید کرد؟

حدیث سوم

علي بن إبراهيم، قال: حدثنا محمد بن جعفر، قال: حدثنا محمد بن أحمد، عن القاسم بن العلاء، قال: حدثنا إسماعيل بن علي الفزاري، عن محمد بن جمهور، عن فضالة بن أيوب، قال: سئل الرضا^٨ عن قول الله عز وجل: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْحَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ فقال^٨: «ماؤكم أبوابكم، أي الأئمة^٩، والأئمة أبواب الله بينه وبين خلقه ﴿فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ يعني بعلم الإمام»^٨

علی بن ابراهیم، نقل می‌کند: محمد بن جعفر، از محمد بن احمد، از قاسم بن علاء، از اسماعیل بن علی فزاری، از محمد بن جمهور، از فضالة بن ایوب روایت کرده است که از امام رضا^٨ درباره این آیه... پرسیدند. فرمود، آب شما درهای شما، یعنی ائمه است و ائمه درهای خداوند، بین او و آفریدگانش هستند. «فمن یأتیکم بماء معین»، منظور علم امام است.

در این روایات، تفسیر یا تطبیق آب روان و گوارا به امام و نیز به علم امام درباره این روایت

مشکل ساز نیست؛ چون منظور روشن است. اگر امام شما غایب شد، کیست که امام حاضری برای شما بیاورد، یا کیست که آن علم را برای شما بیاورد؛ یعنی علمی که ویژه امام و با امام است.

بنابراین مجموع روایات در این جهت هماهنگ و همخوان است و تعارض و ناسازگاری در کار نیست. امام به دلیل علمش «ماء معین» است؛ هم علم او و هم خود او. شاهد این هماهنگی و سازگاری جمع بین هر دو در روایت نهم است. در آن جا آمده: «چه کسی امام آشکاری برای شما می آورد که اخبار آسمان ها و زمین و حلال و حرام خدا را به شما بدهد؟»

حدیث چهارم

محمد بن یعقوب: ^۹ عن علي بن محمد، عن سهل بن زياد، عن موسى بن القاسم بن معاوية البجلي، عن علي بن جعفر، عن أخيه موسى بن جعفر عليه السلام، في قول الله عز وجل: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»، قال: «إذا غاب عنكم إمامكم فمن يأتيكم بإمام جديد؟» ^{۱۰}

محمد بن یعقوب: از علی بن محمد، از سهل بن زیاد، از موسی بن قاسم بن معاویة بجلي، از علی بن جعفر، از برادرش موسی بن جعفر کاظم عليه السلام درباره این آیه ... روایت کرده است که: اگر امام شما غیبت کند، چه کسی برای شما امام جدیدی خواهد آورد؟

حدیث پنجم

محمد بن ابراهیم النعمانی، قال: أخبرنا محمد بن همام عليه السلام، قال: حدثنا أحمد بن بندار، قال: حدثنا أحمد بن هلال، عن موسى بن القاسم بن معاوية بن وهب البجلي، عن علي بن جعفر، عن أخيه موسى بن جعفر عليه السلام، قال: قلت له: ما تأويل هذه الآية «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»؟ فقال: «إن فقدتم إمامكم فلم تروه، فماذا تصنعون؟» ^{۱۱}

محمد بن ابراهیم نعمانی نقل می کند: محمد بن همام برای ما نقل کرد: احمد بن بندار، از احمد بن هلال، از موسی بن قاسم بن معاویة بن وهب بجلي، از علی بن جعفر، از برادرش امام موسی کاظم عليه السلام نقل می کند: به ایشان گفتم: تأویل این آیه ... چیست؟ حضرت فرمودند: اگر امام خویش را از دست دهید و او را نبینید چه کار می کنید؟

حدیث ششم

محمد بن العباس: عن أحمد بن القاسم، عن أحمد بن محمد بن سيار، عن محمد بن خالد، عن النضر بن سويد، عن يحيى الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام، في قوله عز وجل:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾، قال: «إن غاب إمامكم، فمن يأتيكم بإمام جديد؟»^{۱۲}

محمد بن عباس، از احمد بن قاسم، از احمد بن محمد بن سيار، از محمد بن خالد، از نضر بن سوید، از یحیی حلی نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام درباره این آیه ... پرسیدم. حضرت فرمود: اگر امام شما غایب شود چه کسی برای شما امام جدیدی خواهد آورد؟

حدیث هفتم

وعنه: بإسناده، عن علي بن جعفر، عن أخيه موسى بن جعفر عليه السلام، قال: قلت له: ما تأويل هذه الآية ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾؟ فقال: «تأويله: إن فقدتم إمامكم، فمن يأتيكم بإمام جديد»^{۱۳}

محمد بن عباس، با سند خود از علی بن جعفر، از برادرش موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است که علی بن جعفر می‌گوید: به ایشان گفتم: تأویل این آیه ... چیست؟ حضرت فرمود: اگر امام خویش را از دست دهید، چه کسی امام جدیدی را برای شما خواهد آورد؟

حدیث هشتم

في عيون الاخبار من الاخبار المنثورة باسناده^{۱۴} الى الحسن بن محبوب عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: لا بد من فتنة صماء صيلم تسقط فيها كل بطانة ووليجة وذلك عند فقدان الشيعة الثالث من ولدي يبكي عليه أهل السماء وأهل الأرض وكل حرى و حران وكل حزين لهفان، ثم قال: بابى وأمي سمى شبيهي وشبيهه موسى بن عمران عليه السلام، عليه جيوب النور تتوقد بشعاع ضياء القدس، كم من حرى مؤمنة وكم من مؤمن متأسف حيران حزين عند فقدان الماء المعين، كأنى بهم آيس ما كانوا قد نودوا نداء يسمع من بعد كما يسمع من قرب، يكون رحمة على المؤمنين وعذاباً على الكافرين؛^{۱۵}

[شيخ صدوق] در عيون اخبار الرضا عليه السلام با سند خود تا حسن بن محبوب از حضرت رضا عليه السلام روایت می‌کند که حضرت فرمود: قطعاً فتنه‌ای سخت و نابودساز تحقق می‌یابد که در آن هر تکیه‌گاه و دست‌آویزی فرو می‌ریزد و می‌شکند و این هنگامی است که شیعه سومین فرزند مرا از دست بدهد بر او آسمان‌ها و اهل زمین زن و مرد تشنه و هر محزون گرفتار می‌گیرد. سپس حضرت فرمود: پدر و مادرم به فدای هم نام جد من، شبیه من و شبیه موسی بن عمران عليه السلام (حضرت مهدی علیه السلام)! بر اوست طوق‌های نورانی که با شعاع نور قدس روشن می‌شود. چقدر زنان باایمان تشنه و چه اندازه مؤمن‌ها اسفبار و حیران و محزون هستند. در زمانی که آب گوارا و روان مفقود شده است، گویا آنان را در حالتی که از همیشه مأیوس‌تر و ناامیدترند، می‌بینیم که صدایشان می‌زنند، صدایی که هم از دور و

هم از نزدیک شنیده می‌شود. این صدا برای مؤمنان رحمت و برای کافران عذاب است.

حدیث نهم

و باسناده^{۱۶} الی ابی بصیر عن ابی جعفر علیه السلام فی قول الله عز وجل: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»، فقال: هذه نزلت في الامام القائم يقول: ان أصبح إمامكم غائباً عنكم لا تدرّون أين هو؟ فمن يأتيكم بإمام ظاهر يأتيكم بأخبار السموات والأرض وحلال الله وحرامه؟ ثم قال علیه السلام: والله ما جاء تأويل هذه الآية ولا بد ان يجيء تأويلها؛^{۱۷}

[شیخ صدوق در کتاب *کمال الدین وتمام النعمة*] به سند خود تا ابوبصیر از امام باقر علیه السلام درباره این فرموده خداوند عز وجل ... روایت کرده که حضرت فرمود: این آیه درباره امام قائم علیه السلام نازل شده است. آیه می‌گوید: اگر آب (امام) شما از شما غایب شد که نمی‌دانید او کجاست، چه کسی امام آشکاری برای شما می‌آورد که اخبار آسمان‌ها و زمین و حلال و حرام خدا را به شما بدهد؟ سپس حضرت فرمود: به خدا سوگند تأویل این آیه هنوز نیامده و قطعاً خواهد آمد.

دقت در این روایت ما را به وجه جمعی ذیل روایت سوم می‌رساند. امام می‌فرماید: چه کسی برای شما امام آشکاری با این خصوصیت می‌آورد که شما را با حلال و حرام آشنا سازد و خبرهای آسمان‌ها و زمین را برایتان بیاورد؟ امام با این مشخصه علم و دانش فوق‌العاده مطرح است و تفسیر و تطبیق ماء معین به امام و یا به علم امام - آن‌گونه که در این روایت هر دو در کنار هم آمده - هر دو صحیح است.

حدیث دهم

در تفسیر قمی این متن که قطعاً روایت است آمده است:

قوله: «أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» قال^{۱۸}: أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ إمامكم غائباً فمن يأتيكم بإمام مثله؛^{۱۹}

علی بن ابراهیم قمی پس از ذکر متن آیه مورد بحث می‌نویسد: فرمود: به من خبر دهید اگر امام شما غایب شد، چه کسی برای شما امامی مانند او را می‌آورد.

نگاهی کلی به مجموعه روایات آیه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایت اول - از این روایات که مجموعه زیبا و هماهنگی را تشکیل می‌دادند و در حد استفاضه بودند - آیه را بر حضرت مهدی علیه السلام تطبیق دادند.

امام باقر، امام صادق، امام موسی بن جعفر و امام رضا علیهم السلام نیز هر کدام در روایتی آیه را بر حضرت مهدی علیه السلام تطبیق دادند.

روایات، این معنا را بسیار گویا و روان برای آیه مطرح کرده‌اند. در روایتی آمده که آیه در این باره نازل شده است و در همان روایت سخن از تأویل آیه نیز هست. در روایات دیگر نیز سخن از تأویل آیه است.

تنزیل و تأویل آیه

جمع بین تنزیل و تأویل همان است که گفته شد. منظور از تنزیل، تأویل است. وقتی که امام می‌فرماید: «آیه درباره حضرت امام قائم علیه السلام نازل شده»، منظور این است که مربوط به امام قائم علیه السلام است، به گونه‌ای که با تأویل هم سازگار باشد. در این جا منظور از تأویل، همان مصداق‌های آیه و تطبیق آیه بر مصداق‌هاست.

این اطلاق در روایات بسیاری دیده می‌شود. البته این هم ممکن است که منظور از تأویل را همان حقیقت بگیریم و در این صورت می‌تواند منظور از نزول و تنزیل همان معنای همیشگی آن باشد. آیه درباره حضرت نازل شده و حقیقت آیه همان حضرت است.

مجموعه این روایات در کتاب‌های معتبر شیعه مانند *کافی*، *الغیة نعمانی*، *کمال‌الدین* و *تمام‌النعمه*، *عیون اخبار الرضا* و *تفسیر قمی* آمده است. در میان این مجموعه، روایاتی نیز هست که اعتبار سندی دارد. گرچه همان‌گونه که بارها گفته‌ایم، بیشتر عالمان شیعه برای اعتبار یک روایت راه‌های گوناگونی را می‌شناسند و تنها اعتبار روایت را در سند آن منحصر نمی‌بینند. اما گروه اندکی نیز اعتبار روایت را تنها در سند آن می‌دانند، ولی بر پایه نظر آنان هم در این مجموعه چند روایت صحیح‌السند وجود دارد.

از این رو چه از نظر اکثریت و چه اقلیت، این تفسیر و تطبیق آیه با توجه به این مجموعه از روایات تمام است. منظور از اکثریت، عالمانی هستند که در دانش اصول به حجیت اعتبار خبر موثوق به نظر داده‌اند و منظور از اقلیت جمعی از عالمان هستند که در دانش اصول به حجیت و اعتبار تنها خبر ثقه نظر داده‌اند. اقلیت تقریباً مانند مقدس اردبیلی، صاحب *معالم*، صاحب *مدارک* و شهید ثانی و از معاصران چون حضرت آیه‌الله العظمی خویی در ادوار اخیر درس اصول، و اکثریت قریب به اتفاق عالمان و محققان شیعه، شیخ طوسی، شهید اول، محقق حلّی، وحید بهبهانی، بحر العلوم، میرزای قمی، صاحب *ریاض*، محقق همدانی، صاحب *کفایه*، و

از معاصران حضرت آیه الله العظمی بروجردی، حضرت امام و
گفتنی است حضرت آیه الله العظمی خوبی نیز در تقریرات^{۲۰} دور دوم اصولشان نیز بر نظریه اکثریت بوده‌اند.

سوره ملک در یک نگاه

با توجه به مجموعه روایات و تفسیر و تطبیق آیه بر حضرت مهدی علیه السلام اکنون زمان آن است که به تحلیل آیه بپردازیم و همه سوره ملک را بررسی کنیم و زمینه آیه را در این سوره بهتر بشناسیم و ببینیم آیا این معنا از خود آیه با زمینه‌ای که در سوره ملک دارد به دست می‌آید؟
گفتنی است امامان علیهم السلام فرموده‌اند که همیشه آیه را در یک معنا خلاصه نکنید. در این جا نیز معنای ظاهری آیه که می‌گوید: «اگر آب در زمین فرورود چه کسی آب گوارا و روان برایتان می‌آورد؟» یکی از معانی آیه است. اما آیه در این معنای ظاهری خلاصه نمی‌شود. در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که فرمود:

یا جابر، إن للقرآن بطناً، و للبطن بطناً و ظهراً، و للظهر ظهراً؛^{۲۱}
ای جابر، ظاهر قرآن باز ظاهر دارد و باطن آن باز باطنی.

آری، قرآن معانی بسیار دارد و در یک معنا خلاصه نمی‌شود.
سوره ملک با معرفی خداوند و آفرینش آسمان‌ها به دست او و نبودن نقص در آفرینش خدا و... آغاز می‌گردد و با تهدید کسانی که این آیات الهی را می‌بینند و خدا را نمی‌پذیرند می‌گوید که جهنم برای آنان است و اضافه می‌کند که هر زمان گروهی از کافران در جهنم می‌افتند، خازنان جهنم از آن‌ها می‌پرسند: مگر برای شما پیامبری بیم‌دهنده نیامد؟ آن‌ها در پاسخ می‌گویند: «چرا پیامبر آمد، ولی ما نپذیرفتیم و گفتیم خداوند کسی و چیزی را نمی‌فرستد.» آنان می‌افزایند: «اگر ما پیام پیامبران را می‌شنیدیم و یا تعقل می‌داشتیم جهنمی نمی‌شدیم.»
در این جا به فرموده خداوند، آنان به گناه خودشان اعتراف کرده‌اند و اعتراف در قیامت به گناه، نشان از اعتراف دنیوی آنان است. در دنیا برایشان روشن شده بود که خدایی هست و پیامبری فرستاده، وگرنه به گناه اعتراف نمی‌کردند. لذا در ادامه در آیه ۱۳ و ۱۴ می‌آید که اگر شما امروز گفته خود را نهان یا آشکار کنید، خدا می‌داند. آیا کسی که آفریده نمی‌داند با این‌که لطیف و خبیر است؟

سپس آیات در ادامه خدا را معرفی می‌کنند که زمین هموار را آفریده است و به معاد اشاره

می شود که «البیه النشور». آن گاه باز کافران را تهدید می کند که شما از خداوند بیم ندارید که زمین را با شما فرو برد و باز ترسی ندارید که از آسمان بر شما سنگ ریزه بیارد؟ سپس اشاره می کند که پیشینیان نیز تکذیب می کردند و شما واکنش و کیفر مرا در مورد آنان می دانید. در ادامه به پرنده ها و قیض و بسط پروازشان اشاره می کند که این عمل با امساک الهی صورت می گیرد و باز اشاره می کند: «کیست آن کس که به شما روزی می دهد؟» و می افزاید: «اینان لج بازی می کنند و نمی پذیرند» و نیز به آفرینش انسان و قرار دادن گوش و چشم و دل برای او اشاره دارد.

آن گاه می گوید که آنان از زمان تحقق این وعده الهی که ورود به جهنم و عذاب و قیامت است می پرسند و خداوند در پاسخ می گوید: «به آنان بگو که دانش آن نزد خداست و من تنها بیم دهنده هستم» و باز در جوابی دیگر تهدید می کند که هر زمان که از نزدیک عذاب را بینند، چهره هایشان سیاه می شود به آنان گفته می شود که «این همان است که می خواستید.»

ارتباط آیه ۲۸ و ۳۰

تا این جا، بیست و هفت آیه از سوره مرور شده و سه آیه پایانی این گونه ادامه می یابد که: «به آن ها بگو اگر خداوند مرا و همراهانم را نابود سازد و یا ما را مورد رحمت خویش قرار دهد، چه کسی می خواهد کافران را از عذاب دردناک پناه دهد و نجات بخشد؟»؛ یعنی وجود پیامبری که او را انکار می کنید و انکار خود را برای خازنان جهنم نیز در قیامت نقل می کنید برای هدایت و نجات شما ضرورت دارد. در قیامت می پرسند که مگر برای شما پیامبر نیامد؟ شما در پاسخ می گویید: «چرا، ولی ما او را نپذیرفتیم.» آیه می گوید: شما باید به ضرورت وجود پیامبر پی ببرید، نه آن گونه که در شأن نزول آیه گفته شده دعا کنید که خداوند وی را بکشد. پیامبر است که مایه نجات شما از عذاب الهی است. پیامبر است که شما را به راه هدایت می کنند و از سقوط در جهنم می رهاند.

به بیان دیگر، خداوند است که با ارسال پیامبر - اگر شما بپذیرید و به او تن دهید - شما را پناه می دهد.

در آیه ۲۸ می فرماید: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَ مَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمْنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ و آیه مورد بحث (آیه سی ام) به سان این آیه شروع می شود که: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾.

در آیه ۲۸ به ضرورت حضور پیامبر اشاره می‌شود و پیامبر به دستور خداوند به مردم می‌گوید: «اگر خداوند من و همراهانم را هلاک کند، چه کسی می‌تواند کافران را از عذاب نجات بخشد؟»

در آیه سی‌ام به غیبت حجت و ولیّ خدا اشاره می‌کند که اگر آب شما (کنایه از وجود امام و حجت الهی) - که مایه حیات بشر است و ضرورت دارد - فرو رود و در پشت پرده قرار گیرد، چه کسی می‌تواند امام آشکار و حاضری را برایتان فراهم آورد؟

در این دو آیه، نخست هلاکت پیامبر و حجت خدا را مطرح می‌کند تا ضرورت وجود امام را به مردم بفهماند، سپس از غیبت و مخفی شدن حجت خدا می‌پرسد تا ضرورت حضور او را بازگو کند و این چنین، ارتباط آیه با آیات پیشین روشن می‌شود و معنای مورد نظر امامان به راحتی از آن به دست می‌آید.

البته ما معنای ظاهر را که مفسران به آن توجه کرده‌اند از آیه نفی نمی‌کنیم و در مقام انکار آن نیستیم، بلکه در پی آنیم که معنای آمده در روایات را نیز از آیه بفهمیم و بیابیم که آن معنا با آیه و سوره هماهنگ است.

کوتاه سخن این‌که خداوند خودش را در این سوره با آیات و نشانه‌هایش به مردم می‌نماید و برای تحکیم این حقیقت برای مردم پیامبر می‌فرستد، ولی مردم به این همه توجه نمی‌کنند و از وجود این پیامبر بهره نمی‌برند و با این‌که می‌دانند باید بپذیرند و تن دهند و با پیامبر و حجت خداوند حرکت کنند و نیز می‌دانند که وجود و حضور او چه ضرورتی دارد، آن را انکار می‌کنند. در پایان خداوند بیان می‌دارد که اگر پیامبر و حجت او هلاک شوند، چه کسی جز خدا می‌تواند او را برای مردم فراهم آورد و اگر غایب گردد و مخفی شود، باز چه کسی او را برایشان حاضر می‌سازد؟

با توجه به سوره، آن‌قدر این تفسیر برای آیه هماهنگ، ردیف و روان است که می‌خواهد معنای ظاهری آیه را از آیه بگیرد و آیه را مخصوص این معنای عمیق سازد. از معنای ظاهر آیه زیاد سخن نمی‌گوییم؛ چون در تفاسیر بسیار از آن گفت‌وگو شده است و بیش‌تر در مقام تحلیل روایات و آیه مورد بحث در ارتباط با معنای دوم هستیم.

نگاهی به تفاسیر

در تفسیر *مهدویت*^{۲۲} می‌خوانیم: امامان راهنما، به آیه بُعدی ژرف داده و آن را به امام حق

تأویل کرده‌اند و گفته‌اند که او آب است، بدان سبب که حامل رسالت خدا و راهنمایی برای مردم است. مگر آب عصب زندگی و ستون آن نیست؟ امام نیز چنین است. از آن روی که با بصیرت‌های وحی و با هدایت به حق، پیروان خویش را در حیات خود زنده نگاه می‌دارد، مگر کفر و گمراهی مرگ نیست؟

امام صادق علیه السلام فرمودند: «این آیه در حق امام قائم علیه السلام نازل شده است و مقصود آن این است که اگر امام شما غایب شود و ندانید که او در کجاست و کیست که برای شما امام آشکاری آورد که اخبار آسمان‌ها و زمین را به شما برساند و همچنین حلال خدا و حرام او را بر شما معلوم کند؟»

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: «اگر امام خود را فاقد شوید و او را نبینید، چه خواهید کرد؟»
در الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، پس از بیان معنای ابتدایی آیه آمده است:

الماء فی کثیر من المواضع - ولا سیما هنا، إذ یلحق ماء الحیاة: الرسول الأقدس محمد صلی الله علیه و آله - إنه یشیر إلى الحیاة الروحیة، فلئن أصبحت رجالات الوحي غوراً غائباً، بالموت و انقضاء الوحي، أم الانعزال عن بلاغ الوحي، أو فترة الغیبة عن الناس، فهل إله غیر الله یرسل لكم رسلاً مبشرین و منذرین، و دعاة مصلحین؟

و هكذا تعنی أحادیث الجری و التأویل، بیاناً لمصداق من المصادیق المختلف فیها بین المسلمین، من الإمام الغائب المنتظر علیه السلام و علوم الأئمة، و كما یصرح الإمام موسی بن جعفر علیه السلام أنه تأویل لا تفسیر، علی حدّ قوله علیه السلام: إذا فقدتم إمامکم فلم تروه فماذا تصنعون.

هذا، اعتباراً أن الأئمة من آل الرسول صلی الله علیه و آله هم - بعلومهم و بلاغهم - استمراریة الرسالة المحمدیة صلی الله علیه و آله، فهو الماء المعین النضب العذب النابع الفائض المتدفق، و هم سواقیه الموصلة له إلى الأمة أجمع! اللهم صلّ علیه و علی آله الطاهرین.^{۳۳}

در این عبارات بیان شده که واژه «ماء» در بسیاری از موارد به ویژه در این جا، اشاره به زندگی معنوی و روحانی است، به این معنا که آیا اگر مردان وحی غایب شوند، خدایی جز الله هست که فرستادگانی بشارت‌دهنده و انداز کننده و داعیانی اصلاح‌گر بفرستد؟ و این گونه است که روایات جری و تطبیق مصداقی را برای این واژه بیان می‌کند. مانند امام غایب منتظر، به این شکل که اگر امامتان را نیافتید و او را ندیدید چه می‌کنید؟

برخی از تفاسیر دیگر نیز به تبیین آیه بر پایه معنای دوم پرداخته‌اند، ولی چه در تفاسیری

که ارائه شد و چه در تفاسیری که در این جا نیامد، هیچ یک تحلیلی برای آیه در سوره و در ارتباط با آیات پیشین نکرده‌اند و گویا آیه را از جایگاه خود بریده‌اند که این نیز شیوه‌ای در برداشت از آیات است.

اما به نظر نگارنده، معنای مورد نظر امامان علیهم‌السلام برای آیه در این مورد با سوره و آیات پیشین هماهنگ است. از این رو این آیه نیز یکی از آیات مهدوی به شمار می‌رود.

نتیجه

در سایه این نوشتار با توجه به روایات، مفاد مهدوی آخرین آیه سوره ملک چنان ملموس و مفهوم می‌شود که معنای نخست از یاد می‌رود.

با توجه به روایات مهدوی، آیات پایانی سوره ملک مطرح می‌کند که اگر حجت خدا هلاک گردد و بمیرد و یا این که از دسترس شما دور شود و غایب گردد چه می‌کنید، و جز خداوند کیست که حجتی بفرستد و نیاز هدایتی شما را تأمین کند؟

وجود و حضور حجت خدا (پیامبر و ائمه علیهم‌السلام) برای هدایت و نجات شما ضروری است و این ضرورت جز به دست خدا برای شما فراهم نمی‌آید. چگونه است که شما خدا را انکار می‌کنید و ضرورت وجود و حضور حجت او را برای هدایتتان نمی‌پذیرید و تکذیب می‌کنید؟

منابع

۱. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۶۳ ش.
۲. البرهان فی تفسیر القرآن، هاشم بن سلیمان بحرانی، تحقیق: مؤسسه البعثة، قم، مؤسسه البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۳. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم، انتشارات دارالکتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
۴. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۵. تفسیر نور الثقلین، عبدعلی بن جمعة عروسی الحویزی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۶. تفسیر هدايت (ترجمة من هدی القرآن)، گروه مترجمان، سید محمدتقی مدرسی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۷. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة، محمدصادق تهرانی، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش.
۸. معجم احادیث الامام المهدي، مؤسسه المعارف الاسلامیة، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ ش.
۹. معجم رجال الحديث، سید ابوالقاسم موسوی خویی، نجف، مرکز نشر الثقافة الاسلامیة، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ ق.
۱۰. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبایی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۳۹۴ ق.
۱۱. وسائل الشیعة، محمد بن حسن حر عاملی، تحقیق: مؤسسه آل البيت، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. الهدایة فی الاصول، شیخ حسن صافی اصفهانی، تقریر درس اصول حضرت آیت الله العظمی خویی (دوره دوم)، قم، مؤسسه صاحب الامر، ۱۴۱۸ ق.

پی‌نوشت‌ها

۱. در جلد هفتم معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، بیش از دویست آیه قرآنی بر امام مهدی علیه السلام و مسائل مربوط به مهدویت تطبیق داده شده است.
۲. وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۷۳، ح ۷.
۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۹۶.
۴. سوره ملک، آیه ۳۰.
۵. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۴۸.
۶. تمام راویان واقع در سند این روایت از اعلام ثقات هستند و به این شکل روایت از نظر سندی نیز اعتبار ویژه‌ای دارد.
۷. همان، ص ۴۴۹.
۸. همان.
۹. راویان نام برده شده در سند این روایت، همه ثقة هستند و از شخصیت‌های بزرگ شیعه تنها در سهل بن زیاد اختلاف است که وی نیز از سوی عالمان بزرگی به وثاقت شناخته شده است. در نتیجه سند روایت قابل توثیق و تصحیح است.
۱۰. همان.
۱۱. همان، ص ۴۴۹ - ۴۵۰.
۱۲. همان، ص ۴۵۰.
۱۳. همان.
۱۴. طریق شیخ صدوق، تا حسن محبوب صحیح است و حسن بن محبوب از شخصیت‌های بزرگ شیعه است در نتیجه سند این روایت صحیح است.
۱۵. تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۸۶، ح ۳۹، به نقل از عیون اخبار الرضا علیه السلام.
۱۶. طریق شیخ صدوق به ابوبصیر قابل توثیق و تصحیح است و ابوبصیر از شخصیت‌های بزرگ شیعه به شمار می‌رود. بنابراین سند روایت صحیح و قابل توثیق است.
۱۷. تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۸۷، ح ۴۱، به نقل از کمال الدین و تمام النعمة.
۱۸. در تفسیر قمی تفسیر آیه با واژه «قال» بسیار دیده می‌شود. شاید ضمیر آن به شخص علی بن ابراهیم قمی برگردد، ولی روشن است که وی جز از روایت نمی‌گوید. بنابراین متن روایت است. شاهد آن این است که در نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۸۶، ح ۳۷ همین روایت آمده است.
۱۹. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۷۹.
۲۰. الهدایة فی الاصول، تألیف مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی صافی اصفهانی.
۲۱. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۶.

٢٢. تفسير هدايت، ترجمه تفسير من هدى القرآن است.

٢٣. الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن، ج ٢٩، ص ٥٤ - ٥٥.

